

شب شعر ژاله اصفهانی در جامعه ایرانیان لندن

چیز، مهری، همه
له ما را راهبر شود،
به دیار ترستاك

مهری، همانسان
ت از سرودن و نقش
در بروی خود بسته
لدان پنجره اتاقم مرا
و آن سوی نیل
میتوان به يك نقش
شده هزاران سال
سر به دلم راه نمی
کنم، مهری؟ هستی
یکی و ترستاکی خود
همه آغاز ها و پایان
نداند اما با همه
تنهایی دست نمی
بانی زودگذر تراوش
ی می کنم
راهی از نقش ها مرا
نی می کشاند. کنار
با بودم. میان من و او
ساها نه تنها ما را از
جدا میکند، بلکه
نیز پرتگاهی بیکران
مشق تنهاست، و در
و مندتر از مرگ فرمان
ی پنجره می گذرد،
پیش گرفته است.
نوشتن را از من می
بان انگشتانم می
سهراب

۳۳

کتابخانه
۳۰۲

۱۷ ~ ۱۹۹۰

۹۵

کانون های ایرانی که در سال های اخیر در لندن پدید آمده اند هر يك فراخور حال و توان خود برنامه ای برای زنده نگه داشتن فرهنگ و هنر ایرانی برگزار می کنند که ارج بسیار دارد. هر يك از این کانون های فرهنگی، بخش ویژه ای از ایرانیان را به سوی خود کشیده اند و ارزشمندتر از همه این که شمار جوانان در میان کسانی که به این کانون ها روی آورده اند بسیار چشمگیر تر از آن است که گمان می رود.

شب شعر «ژاله» شاعره توانای اصفهانی، از کارهای خوب «کارگاه هنر» وابسته به «کانون ایرانیان» بود که در شب ۷ آوریل برگزار شد و گروهی از ایرانیان، بویژه جوانان دختر و پسر را برای شنیدن اشعار دلنشین «ژاله اصفهانی» از زبان خود او گرد هم آورد.

نزدیک به یکصد نفر از ایرانیان در سالن نسبتاً کوچک «کارگاه هنر» گرد آمده بودند تا «ژاله اصفهانی» را ببینند و صدای او را بشنوند. جمعی آشنا با یکدیگر، جوان، و شیفته هنر و فرهنگ سرزمین خویش، هنگامی که «ژاله» آخرین شعر خود را با آوای ملایم و روان برای آنان خواند بر پا ایستادند و زمانی دراز برایش کف زدند.

پیش از اینکه «ژاله» از میان جمع برخیزد و برای خواندن اشعارش روی بروی حاضران بایستد، از سوی «کارگاه هنر» به او خوش آمدی تحسین انگیز گفته شد.

بر سینه گرم زمین

گر بادیان بشکست و زورق واژگون شد،
بایست در دریای توفانی شنا کرد.
گر نیست پایاب،
باید به هر سو دست و پا کرد.
باید سوار موج ها شد.
باید ز تابودی وها شد.

باید دوباره بادیان را،
در پهت دریای برافراشت.
باید رهی بر ساحلی زد.
باید طلوع تازه خورشید را دید.
بر سینه گرم زمین،
باید گلی کاشت.

تشویش

نکنند شمع ها شود خاموش،
نکنند خنجرها شود پرهز،
نکنند نعره ها شود ناله،
و رخس و خار پر شود سنگر!

نکنند خمسگین فرود آید
مشت یاران، به سینه یاران!
نکنند بی خبر به خواب رود
چشم شب زنده دار بیداران!

آنکه در جستجوی توفان بود
دل کند خوشش به نم نم یاران،
نکنند آرزو اسیر شود،
نکنند بندگی شود آزاد!
نکنند رزم ها به باد رود
عشق و آزادی رود از یاد!

وای باد شرطه - صفحه ۵۶

پیاخیال کنیم

پیاخیال کنیم،
که سالهای جدایی در این میانه نبود،
که صرما، همه در رنج انتظار نرفت،
که آن درخت که باخون دل بپروردیم،

«ژاله» در محیط در بسته زندگی خانوادگی آن روزگاران به پیمان احساسات نوجوانانه خود در قالب شعر پرداخت و آنگاه که با به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نهاد چگونه استادان شعر دوران، شادروان ملک الشعرای بهار و شادروان نیما یوشیج که در او استعداد شاعری دیده بودند هر يك می کوشیدند او را به سوی خود و سبک شاعری خود بکشانند.

«ژاله» در بیان زندگی خود گفت که چه زود به دوری ناخواسته از وطن تن داده و بیشترین بخش زندگی خود را دور از ایران ولی در هوای ایران بسر برده است.

هر چند «ژاله» از پیمان زندگی خصوصی و روند قری و شش سیاسی خود هیچ نگفت ولی اشعار او که در ۷ مجموعه به چاپ رسیده اند او را يك بانوی آزاد ایرانی، دوستدار و دل بسته ایران، که آندیشاش از برای آزادی و شرف انسانی انباشته است معرفی می کنند. در اشعار «ژاله» از «عشق» به معنی رایج آن کمتر اثر می بینیم و به جای آن عشق به زندگی، عشق به آزادی، نبرد برای پیروزی خوبی هادر اشعارش موج می زند.

ژاله ۷ مجموعه شعری به نام های گل های خودرو، زنده رود، کشتی کبود، نقش جهان، انگر هزار قلعه داشت، البرز بی شکست و ای یاد شرطه دارد. گل های خودرو در سال ۱۳۴۴ منتشر شده و آخرین مجموعه شعر او «ای یاد شرطه» به همت پسران او بیژن و مهرداد در سال ۱۳۶۵ در لندن به چاپ رسیده است.

می پرسی از من اهل کجایم؟

می پرسی از من، اهل کجایم؟
من کولی ام، من دوره گردم،
پروژه آندوه و دودم.
بر نقشه دنیا نظر کن.
با يك نظر از مرز کشورها گذر کن
بی شک، تایی سرزمینی،
کاتجا نیاشد در پنجم میهن من.
این يك برای لقمه ای نان از بی کار.
و آن يك برای کار آزادی و بیکار.
این يك ز ترس جان،
یکی از بیم زندان،
از میهن من،
باشد گریزان
از کشوری که،
جادوگر اهریمنی کرده طلسمش.
روح پریش خوابگردم.
شب های مهتاب،
در عالم خواب،
بر صخره های بی کران آرزوها رهنورد.
با پرسش اهل کجایی،
کردی مرا بیدار ازین خواب طلائی.
اقدام از بام بلند آرزوها،
در پای دیوار حقیقت.

می پرسی از من اهل کجایم؟
از سرزمین فقر و ثروت.
از دامن پرسیزه البرز کوهم.

باچه شاهنامه فردوسی

نوشته: ژول مول
ترجمه: جهانگیر افکاری
از انتشارات کانون پژوهش و آموزش
به مناسبت سال فردوسی
جزوه در ۳۲ صفحه - قیمت ۳۳ دلار

داستان های آن به خواننده می دهد
سایر انتشارات کانون پژوهش و آموزش
فرزاده فردوسی به شرح زیر است:
۱- زندگینامه فردوسی ۲- دیباجه شاهنامه فردوسی ۳- بهار (ملک الشعرا) و فردوسی ۴- چهارهفتای پشدار در شاهنامه ۵- دین در شاهنامه ۶- بهرام گور سوگلی شاهنامه ۷- راز روین تن اسفندیار ۸- سرآغاز شاهنامه ۹- پایگاه بلند شاهنامه ۱۰- فهرست و لغت شاهنامه ۱۱- فردوسی در هاله ای از افسانه ۱۲- رخس در شاهنامه ۱۳- بزرگان و شاهنامه ۱۴- قلمرو خاندان رستم در شاهنامه

فلسفه زرتشت

یدی نواز دینی کهن
نوشته: دکتر فرهنگ مهر
انتشارات کانون پژوهش و آموزش
۲۱۶ صفحه - بهاء ۱۵ دلار
آشور زرتشت را از اله می دهد و بالاخره در مهر در مقدمه کتاب

ی پیش گفتار تاریخ و نامی و حماسی ایران در کتاب آمده است. این گونه داستان ها و آوردن بزرگمردانی که جولان و هیجان می دادند.
فردوسی، یکی از ۱۲ که کانون پرورش و ت سال فردوسی انتشار جزوه نوشته ای است اطلاعات کافی در مورد ک و روش نگارش و